

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل

پایه سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش نهایی

### درس ترک تعلق و آمادگی ترک همه چیز و همه کس در سیر به سوی خدا

امام حسین علیه السلام در این حرکتی که انجام دادند، از موطن اصلی خودشان دل کردند. مدینه محل تولد ابا عبدالله علیه السلام است؛ مدینه خاطره‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله را در خود دارد؛ مدینه خاطره‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را در خود دارد؛ مدینه شهر پیغمبر و موطن ابا عبدالله علیه السلام است؛ طبیعتاً انسان دوست دارد در وطن خودش باشد؛ «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ»<sup>۱</sup>.

امام حسین علیه السلام در این حرکتشان، هم از تعلق به موطن خودشان و شهری که خاطرات بسیار گران‌بهایی را در خودش برای حضرت دارد، دل می‌کنند و هم از شهری که محل دفن رسول الله است؛ شهری که محل دفن مادرشان، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است؛ دل می‌کنند و هجرت می‌کنند.

این یک جنبه؛ جنبه‌ی دوم اینکه در این نهضت از عزیزترین عزیزانشان چشم می‌پوشند و می‌گذرند. پسر رشیدشان، علی اکبر علیه السلام؛ برادر رشیدشان ابا الفضل العباس علیه السلام؛ برادر زاده‌هایشان، قاسم بن الحسن و عبدالله بن الحسن علیهما السلام؛ و دیگر بستگان و یارانشان. عزیزترین کسان و خانواده‌شان؛ از همه‌ی اینها می‌گذرند؛ یعنی هجرت و جهاد ابا عبدالله علیه السلام نشان‌دهنده‌ی قطع تعلق و دل بردن از آن چیزی است که انسان می‌تواند سر دو راهی بین خدا با آن چیز، مردد بماند.

امام حسین علیه السلام لحظه‌ای تردید نکردند. در زمان مهاجرت از مدینه به سمت مکه و از مکه به سمت کربلا، زمین ایشان را متوقف نکرد و در زمان دل کردن از عزیزترین عزیزانشان، زن و بچه‌ی خودشان، خانواده‌ی خودشان، نزدیک‌ترین و محبوب‌ترین دوستانشان متوقف نشدند. و این یک درس بزرگ است که باید بیاموزیم؛ چون این هم می‌تواند ما را معتاد کند؛ همان‌طور که قدرت برای قدرت‌مندان می‌تواند زیر دندان‌شان مزه کند و آنها عادت کنند و کم‌کم معتاد شوند و به هیچ قیمتی حاضر نباشند از اریکه‌ی قدرت پایین بیایند و عرصه را به دیگری بسپارند، همین اتفاقات که الان در زمان ما می‌بینید در جهان اسلام می‌افتد؛ مثل قزافی که در لیبی بود، چند سال حکومت کرد؟ حسنی مبارکی که در مصر بود، چند سال

<sup>۱</sup>. سفینة البحار، ج ۸، ص ۵۲۵.

حکومت کرد؟ بن علی چند سال حکومت کرد؟ و دیگرانی که علیه آنها قیام هست. رئیس جمهور یمن چند سال حکومت کرد؟ همه حکومت‌های طولانی؛ و این حکومت‌های طولانی این فسادها را ایجاد کرد.

این از یک طرف، از این طرف هم، خود مردم، خود ما، همه‌ی مردم، هم رهبران و هم پیروان در معرض این هستند که دل‌بسته‌ی چیزهایی شوند که غیر از آن حقیقتی است که باید به آن دل بست. همه چیز غیر خدا موقت است؛ همه چیز غیر خدا شایستگی دل‌بستگی مطلق را ندارد؛ چه خانه و شهر و دیار، چه خانواده و زن و بچه و اهل و عیال و چه هر چیز دیگر غیر خدا؛ «كُلُّ مَا شَغَلَكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ صَمٌّكَ»<sup>۲</sup>. هر چیز تو را از ربّ خودت غافل کند، آن بت توست؛ فرقی نمی‌کند زنت باشد؛ بچه‌ات باشد؛ خانه‌ات باشد؛ شهرت باشد؛ پستت باشد؛ مقامت باشد؛ آبرویت باشد؛ اعتبارت باشد؛ پول و ثروت باشد؛ راحتت باشد؛ لذّتت باشد؛ هر چه تو را غافل می‌کند و تو را سر دو راهی دچار تردید می‌کند؛ دچار درنگ می‌کند که این را انتخاب کنم یا آن را انتخاب کنم؟ یعنی وقتی بین خدا و آن چیز مخیر شدی، باعث توقف تو می‌شود، این بت توست. و انسان باید بداند که به هیچ چیز غیر خدا نباید آن‌گونه دل ببندد که بتواند او را بین خدا و خودش مردّد بگذارد. این آمادگی کنده شدن و دل‌کندن از هر چه غیر خداست؛ آمادگی بسیار مهمّی است؛ ولو غیر خدایی‌ها رنگ خدایی داشته باشند؛ امام حسین علیه السلام که العیاذ باللّٰه دنیاپرست و دنیا طلب نبودند؛ اگر به مدینه دل بسته‌اند، به خاطر آن است که پایگاه دین خدا و محلّ دفن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است؛ و اگر به فرزندشان، به برادرشان، به عزیزانشان دل بسته‌اند، به این دلیل است که اینها چهره‌های بزرگ الهی‌اند؛ نه به خاطر تعلق فامیلی و نسبی؛ اما در عین حال اگر سر دوراهی گیر کرد، نشان می‌دهد که این مشکل دارد؛ و امام حسین علیه السلام ذرّه‌ای درنگ نکردند. در روز عاشورا هریک از اصحاب می‌آمدند اجازه‌ی میدان بگیرند، حضرت کمی معطلشان می‌کردند؛ اما وقتی علی اکبر علیه السلام آمد و گفت پدر جان آدمم اذن میدان بگیرم، حضرت فرمودند: برو، خدا به همراهت؛ ذرّه‌ای تردید نکردند. با اینکه یقیناً امام حسین علیه السلام عشق و علاقه‌شان به علی اکبر علیه السلام از همه‌ی یاران و اصحابشان بیشتر بود؛ در این قضیه تردیدی نیست؛ حتی از ابوالفضل العباس؛ اما یک لحظه درنگ نمی‌کنند.

اینکه یاد بگیریم به هیچ چیز دل نبندیم؛ گفت:

تا نباشی بت تراش و بت پرست

از قدح‌های صور کم باش مست

کز شراب جان فزایش ساقی است

عشق آن زنده‌گزین کو باقی است

<sup>۲</sup>. تفسیر خواجه عبدالله انصاری (ره)، ذیل آیه‌ی ۴۲ سوره‌ی یوسف.

این درس بزرگی از درس‌هایی است که از نهضت اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌شود آموخت؛ مواظب باشیم در هیچ کس متوقف نشویم؛ در هیچ چیز متوقف نشویم؛ نه بستگانمان، نه دوستانمان، نه استادانمان، نه شاگردانمان؛ به طور مطلق می‌گوییم هیچ کس؛ هیچ کس نباید ما را در خودش متوقف کند. نتواند ما را سنگین کند که نتوانیم از آن بگذریم؛ «**أثَقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ**»<sup>۳</sup> اینکه انسان روی زمین سنگین شود؛ این‌گونه نشود که نتواند بلند شود؛ برای ترک کردن همه چیز به سوی خدا آماده باشیم. امام حسین علیه السلام برای خدا از علی اکبر علیه السلام می‌گذرند؛ برای خدا از علی اصغر علیه السلام می‌گذرند؛ برای خدا از اباالفضل علیه السلام می‌گذرند؛ برای خدا از قاسم و عبدالله بن الحسن علیه السلام می‌گذرند؛ برای خدا از همه‌ی عزیزانشان می‌گذرند؛ برای خدا از خانواده‌شان، خواهرشان، همسرانشان، بستگانشان می‌گذرند. همه را گفت: «**تَرَكَتَ الْخَلْقَ طَرًّا فِي هَوَاكَا**» همه‌ی خلق را یک‌جا در راه عشق تو ترک کردم؛ «**وَأَيْتَمْتُ الْعِيَالَ لِكَيِّ أَرَاكَا**» و خانواده‌ی خودم را هم در راه دیدار تو یتیم کردم؛ «**لَئِنْ قَطَّعْتَنِي فِي الْحُبِّ إِرْبَا**» ای خدا اگر در راه عشق خودت من را ارباً ارباً کنی، قلم قلم کنی، «**لَمَّا حَنَّ الْفُؤَادُ إِلَى سِوَاكَا**» دل من به سوی جز تو پر نخواهد کشید؛ تو تنها معشوق منی و هرچه دارم را در راه تو می‌دهم. این درس بزرگی است که باید از مکتب عاشورا آموخت. آن حریت، آزادی و آن شجاعت و دلاوری، میوه‌ی همین آمادگی گذشتن از همه‌ی دل‌بستگی-هاست؛ چون آن چیزی که محافظه‌کاری ایجاد می‌کند؛ آن چیزی که انسان را ترسو می‌کند، دل‌بستگی است؛ تعلق است. آن چیزی که انسان را به ذلت می‌کشاند و انسان تن به ذلت می‌دهد، به‌خاطر آن تعلق و دل‌بستگی است. و الاستعداد للموت، موت یعنی ترک هرچه غیر خداست؛ آماده بودن برای ترک هرچه غیر خدا، یک ارزش بزرگ است؛ یک درس بزرگ است که باید از مکتب عاشورا آموخت.

<sup>۳</sup>. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۱۸۶.